تبیین دوگانگی تصورات قالبی جنسیتی از نظر دانشجویان دانشگاه یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی*، زکیه سلیمانی**

طرح مسئله: *نگرش‌های مبتنی بر جنسیت اغلب یک اجماع اجتماعی رابر سرچگونگی اعمال، رفتارها ونقش‌های جنسیتی، بدون توجه به تفاوت‌های فردی نشان می‌دهند.چنین ساختاری می‌تواند از عوامل تقویت کنندهٔ نابرابری‌های جنسیتی به شمار آید. این پژوهش با هدف تبیین نوع تصورات قالبی منسوب به زنان و مردان، به مطالعهٔ برخی ازویژگی‌ها ومشاغل کلیشه‌ای رایج در این زمینه از منظر دانشجویان می‌پردازد.*

روش: *این پژوهش به روش پیمایشی صورت گرفته است .جامعهٔ آماری را دانشجویان دانشگاه یزد تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران، ۲۸۹ نفر به عنوان حجم نمونه برگزیده شدند.*

یافته‌ها: *کلیشه‌های پسران بیشتر ناظر بر قدرت، عقلانیت، استقلال، خشونت و مشاغل ابزاری و مدیریتی است، در حالی که کلیشه‌های جنسیتی دختران اشاره به عطوفت، تأثیر پذیری، وابستگی وگرایش به مشاغل خدماتی در بین آن‌ها دارد.*

نتایج: *نگرش‌های دانشجویان حاکی از اظهار نوعی دوگانگی در باورهای جنسیتی و پذیرش تفاوت‌های بین دوجنس مشابه تصورات رایج درجامعه از جانب آن‌هاست که می‌توان برای آن‌ها هم ریشه‌های زیستی و هم زمینه‌های اجتماعی و روانی قائل شد.*

کلید واژه‌ها: تفاوت‌های جنسیتی، جنس، جنسیت، دانشگاه یزد، کلیشه‌های جنسیتی

تاریخ دریافت: **۸۷/۱۲/۰۸** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۹/۰۵/۲۰**

* دکتر جامعه شناس، دانشگاه یزد <zareshabady@yahoo.com>

* کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه یزد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

درتمامی جوامع نژاد، قومیت، زبان، مذهب و... انسان‌ها را درگروه‌ها و طبقات مختلف دسته‌بندی کرده و از این طریق دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به هرگروه به وجود آمده است. یکی از قدیمی‌ترین دسته بندی‌ها، تقسیم جامعه به دو جنس **مرد و زن است** .

بسیاری از تفاوت‌های مردان و زنان در جایگاه‌های مختلف زندگی اجتماعی دارای منشاء زیست شناختی نیستند، چراکه محیط اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در جهت دهی به افکار و رفتارهای جنسیتی افراد جامعه دارد. بنابراین در بحث تفاوت‌ها باید میان واژه‌های «جنس»[1] و «جنسیت»[2] تمایز قائل شد زیرا با وجود قرابت لفظی، دارای معانی متفاوتی در نزد جامعه شناسان هستند. در تعریف جنس معمولاً نگاه متوجه آن دسته از تفاوت‌های بیولوژیکی و آناتومیکی است که زنان را از مردان متمایز می‌سازد.» گیدنز(۱۳۷۳) در صورتی که جنسیت انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است. همان منبع (۷۸۰)

«گیل روبین (gayl rubin) انسان شناس آمریکایی در سال ۱۹۷۵ مفاهیم جنس و جنست را چنین تعریف کرد: «نظام جنس و جنسیت نظامی است که تفاوت‌های زیست شناختی بین زنان و مردان را به صورت سری‌های اجتماعی مشخص سازمان می‌دهد. این نظام ویژگی مبادله‌ای نامتقارن میان زنان و مردان را امکان پذیر می‌سازد همچنین نظام تقسیم کار جنسی باعث تضمین منافع مردان و زنان می‌گردد» هام(۱۳۸۲).

باتوجه به نظر جنکینز (jenkinz) «جنسیت فقط آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل میان دیگران ساخته می‌شود و مشخصه‌های آن از یک محل تا محل دیگر تفاوت می‌کند.» جنکینز(۱۳۸۱) «نسبت دادن ویژگی‌های خاص به زنان و مردان باعث ایجاد الگوهای قالبی جنسیتی یا در اصطلاح جامعه‌شناسی کلیشه‌های جنسیتی می‌گردد.» اعزازی(۱۳۸۰) «کلیشه‌های جنسیتی»[3] نقش‌ها، رفتارها و تفکراتی است که به صورت

1- sex 2- gender 3- gender stereotypes

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مکرر انتظارمی رود یک جنس در جامعه آن‌ها را ایفا کند و یا آن چنان بیندیشد. «شهشهانی(۱۳۸۰) کلیشه‌های جنسیتی در واقع دیدگاه‌هایی هستند که افراد باور دارند که در مورد یک جنس بیش از جنس دیگر صدق می‌کند. به این ترتیب عملاً بانادیده گرفتن استعدادهای بالقوهٔ فردی و همچنین ایجاد شکاف ساختاری بین منافع دوجنس بردامنهٔ نابرابری‌های جنسیتی خواهند افزود. لذا شناسایی میزان شیوع کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند گامی مهم درپیش‌گیری از پیش‌داوری و تبعیض جنسیتی (به ویژه علیه زنان) محسوب گردد و نقش آن‌ها را در فرآیند توسعه برجسته نماید.از این رو، تحقیق حاضر به شناسایی نوع و میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی در بین دانشجویان در دانشگاه یزد می‌پردازد. به عبارت دقیق‌تر این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به سئوالات زیر می‌باشد:

۱- چه نوع کلیشه‌های جنسیتی و به چه میزانی در بین دانشجویان وجود دارد؟

۲- آیا درمیزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، تفاوتی بین دوجنس مشاهده میشود؟ در پاسخ به این مسئله مطالعات متعددی، رواج و شیوع کلیشه‌های جنسیتی را به تصویر کشیده‌اند. مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهند که از سنین کودکی، صفات منسوب به دختر و پسر به شیوهٔ معناداری استقرار می‌یابد. در مطالعه‌ای راجع به انتظارات، نگرش‌ها و رفتار والدین و مربیان در مورد کودکان پیش دبستانی، «این نتیجه به دست آمد که ۸۸ درصد از مادران ایرانی از دو سالگی دختر را به مراتب کم‌تر از پسر به استقلال، خودکفایی و پیشرفت تشویق میکنند و مطابق این نگرش که نقش دختر در آینده عمدتاً نقش مادری و همسری است، خصوصیاتی چون همکاری، حساس بودن و قبول مسئولیت نسبت به دیگران را در او تقویت می‌کنند.» ناجی‌راد (۱۳۸۲).

در طبقه‌بندی مشاغل نیز کلیشه‌ها جریان دارند. در این خصوص یافته‌های طرح «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» حاکی ازآن است که «از نظر مردم ایران مشاغل فنی، رانندگی تاکسی و اتوبوس و ریاست جمهوری عمدتاً مشاغلی مردانه هستند، به طوری که به ترتیب ۷۷، ۶۹و۵۶ درصد پاسخ‌گویان با اشتغال به کار زنان در این مشاغل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مخالف بوده‌اند. در عین حال نسبت زنانی که با تصدی زنان در این مشاغل مخالف بوده‌اند حدود ۵ تا ۱۰ درصد کم‌تر از مردان است. در مورد اختصاص وظیفهٔ خانه‌داری به زنان نیز، نسبت مخالفین در بین زنان و مردان به ترتیب ۸۱ درصد و ۶۴ درصد بوده است.» دفتر طرح‌های ملی(۱۳۸۲) به این ترتیب این یافته‌ها حاکی از آن است که زنان دارای نگرش جنسیتی برابری طلبانه‌تری بودند.

در بررسی «نابرابری زنان و مردان در اثر تفاوت در جامعه‌پذیری» توسط شهلا اعزازی (۱۳۸۰) «پاسخ‌گویان صفات برتر زنان و مردان را از روی سیاهه‌ای از صفات دوگانه مشخص کردند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که صفات مردانه صفاتی هستند که در روابط اجتماعی و به خصوص در محیط‌های کاری به عنوان صفات مطلوب در نظر گرفته می‌شوند. نظیر صفاتی مانند مستقل، مصمم، خطر پذیر، جسور، قوی. در حالی که در کلیشه‌های جنیستی زنانه، زنان با صفاتی، به صورت معمول وابسته به کنش‌های اجتماعی با دیگران، مانند دلسوز، شکیبا، مهربان و یا با ویژگی‌های ظاهری مانند: ظرافت و زیبایی توصیف می‌شوند که این صفات به طور معمول در محیط‌های اولیه (خانواده) ارزش دارد.» اعزازی(۱۳۸۰)

در یک مطالعهٔ بین المللی که در ۲۵ کشور انجام گرفته است. «صفت‌هایی نظیر عاطفی، مضطرب، وابسته، ترسو، مهربان، ملایم، احساساتی، دلسوز، نازک دل و منفعل به زنان و صفاتی نظیر فعال، حادثه جو، پرخاش‌گر، خشن، سلطه گر، قوی، با انرژی، مستقل، مقاوم و سنگدل به مردان نسبت داده شده است. از نظرحساسیت، درک دیگران و خون‌گرمی در روابط عاطفی تا اندازه‌های برتری به زنان داده می‌شود، اما در مجموع صفات مردانه خیلی با ارزش‌تر از صفات زنانه قلمداد می‌شود.» بدار و دیگران(۱۳۸۱)

برخی تحقیقات به پایه‌های شکل‌گیری کلیشه‌ها در کتب درسی اشاره داشته‌اند. سامسون در تحلیل کتاب‌های درسی ایتالیا براساس زبان «جنس‌گرا» نشان داده است که در کتاب دستور زبان از مجموع ۲۹۳۱ جمله ارائه شده، فاعل ۲۰۹۰ جمله، مذکر است و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۷۴/۷ درصد مثال‌ها به مردان و پسران مربوط می‌شوند. علاوه بر آن واژه‌هایی که به دو جنس نسبت داده می‌شود، نیز دارای سوگیری جنسیتی است. به طوری که دختران فقط جذاب و با نمک هستند در حالی که پسران باهوش و محبوبند Samson (2003). در همین زمینه بلانت (Blount) معتقد است: «محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی مدارس ایرلند، درون یک بافت قدرت (کلاس درس) ارائه می‌شوند و در راستای تقویت کلیشه‌های زنانه و مردانه است، به طوری که مردان همواره مبارز و هوشمند و در موقعیت قدرت و مشاغل مختلف مشاهده می‌شوند در حالی که زنان وابسته و منفعل و بیش‌تر در نقش مادری و موقعیت مراقبت از فرزندان دیده می‌شود.» حجازی(۱۳۸۵)

پژوهش مک کوبی و ژاگلین(Maccoby and Jacklin) نشان می‌دهد که پسران خشن‌تر و دارای توانایی ریاضی و تجسم فضایی بیش‌تری هستند، ولی تفاوت‌های جنسی معناداری در اجتماعی بودن، تأثیر پذیری، عزت نفس، یادگیری سطحی و یادگیری شناختی، توانایی تحلیلی، انگیزهٔ پیشرفت، پاسخ به محرک‌های صوتی، تصویری و تأثیر پذیری از عوامل توارثی یا محیطی دیده نمی‌شود. دربارهٔ تفاوت‌های جنسی در حساسیت بساوایی، ترس، کم‌رویی، اضطراب، میزان فعالیت، رقابت جویی، برتری طلبی، تسلیم پذیری، پژوهش‌ها دارای نتایج متضاد یا فاقد نتیجهٔ مشخص هستند. Maccoby and Jacklin (1974) این نتایج با تحقیقات سی یرز (Sears) و همکارانش هم‌خوانی دارد که «اظهار می‌کنند در سطح توانایی‌های اولیه و استعدادهای شخصی اندازه تفاوت‌های جنسیتی ناچیز است. اما به نظر می‌رسد در رفتار پرخاش‌گرانه و مهارت‌های ارتباطی غیر کلامی تفاوت‌های جنسیتی وجود دارند و فعالیت‌ها و نقش‌های روزانهٔ زنان و مردان اغلب بسیار متفاوت است.» Sears (1991)

به گفتهٔ رابین لیکاف (Robin likaf) سبک رایج سخن گفتن مردان و زنان و حتی سبک سخن گفتن دربارهٔ زنان در حاشیه بودن و ناتوانی زن را باز می‌تابانند. پاره‌ای از تحقیقات انجام شده در باب «گفتار مردانه» و «گفتار زنانه» نشان می‌دهد که تصور عمومی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

از «گفتار مردانه» گفتاری است منطقی، کوتاه و در راستای مطالب «مهم» وجدی در صورتی که تصور عمومی از «گفتار زنانه» گفتاری است عاطفی، مبهم و پر لغت. «گفتارهای گزارشی» در مقابل «گفتارهای ارتباطی»، «گفتارهای رقابتی» در مقابل «گفتارهای حمایتی». راسخ(۱۳۸۶)

به طورکلی تحقیقات انجام شده به تفکیک نگرش‌های جنسیتی در حوزه‌های مختلف گفتاری، دستور زبان مهارت‌های کلامی، توانایی‌های اجتماعی، در مشاغل وکتب درسی اشاره کرده‌اند. براین اساس گفتارهای مردانه اغلب مهم، منطقی و جدی و با عناوین گفتارهای رقابتی و گزارشی معرفی شده‌اند. مردان درکتب درسی مبارز، هوشمند، باهوش و محبوبند و در محیط‌های کاری مستقل، مصمم وخطر پذیر به شمار می‌آیند و مشاغل فنی، رانندگی تاکسی و اتوبوس و ریاست جمهوری به آن‌ها اختصاص داده می‌شود. درحالی که زنان دارای گفتارهای اغلب عاطفی، پر لغت و مبهم و در قالب گفتارهای حمایتی و ارتباطی معرفی شده‌اند. زنان وابسته به کنش‌های اجتماعی اند و یا به وسیلهٔ ویژگی‌های ظاهری توصیف می‌شوند منفعل و وابسته‌اند و بیش‌تر در نقش‌های مادری و پرستاری تجسم می‌یابند.

در خصوص این که اصولاً منشأ تفاوت‌های جنسیتی چیست و آن‌ها چگونه شکل می‌گیرند، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی ابراز شده است. قابل توجه است که برخی از نظریه‌ها نیز مانند دیدگاه لیبرالیستی اساساً تفاوت‌های میان دو جنس را نفی نموده و نهایت اغماض را در این باره داشته‌اند. «در این دیدگاه زن و مرد به عنوان موجوداتی انسانی و برابر در نظر گرفته می‌شوند و سخن گفتن از نقش‌های متمایز جنسیتی را خطرناک می‌دانند. به اقتضای این دیدگاه، مردان باید تلاش کنند خود را با تغییر در حوزهٔ نقش‌های سنتی که وظایف زنانه کم اهمیت شمرده می‌شود سازگار نمایند.» خسروی(۱۳۸۲: ۱۵). با وجود جهت مثبتی که این دیدگاه دارد به این دلیل که نمی‌تواند تفاوت‌های آشکار جسمی را مورد انکار قرار دهد وحتی ادعای برابری و نادیده گرفتن تفاوت‌ها ممکن است به نابرابری منجر شود، مورد انتقاد قرار گرفته است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

برخی از صاحب نظران به تفاوت‌های جسمی و روانی دو جنس در شکل‌گیری کلیشه‌ها نظر داشته‌اند.از این نقطه «نظر زیگموند فروید(Sigmund Frued)ساختار شخصیتی متفاوت زنان و مردان را به تفاوت‌های تناسلی و آن فراگردهای شناختی و عاطفی نسبت می‌دهد که با کشف این تفاوت‌های جسمانی از سوی کودکان آغاز می‌شود.» ریتزر(۱۳۸۲) فروید در تفسیر تفاوت‌های جنسیتی بر تجارب اولیهٔ کودک در خانواده و تفاوت درهمانندسازی کودکان با والدینشان تأکید دارد. علم به این که پسرها و مردها آلت تناسلی مردانه دارند و این که دخترها فاقد آن هستند، موجب تفاوت‌های شخصیتی میان زن و مرد می‌شود. Brannon(1999)

«نانسی چادورو (nancy chadorow) نیز با دیدگاه فروید موافق است اما او خیلی بیش‌تر از فروید بر اهمیت مادرتأکید می‌کند تا پدر، چون مادر به سادگی مهم‌ترین تأثیر را در مراحل اولیهٔ زندگی کودکان دارد.» گیدنز(۱۸۴: ۱۳۷۳) در اینجا چادورو به روند تأثیر پذیری زنان از وظیفهٔ مادری خود اشاره می‌کند. «در این باره کارول گیلیکان (Gilligan) با چادورو هم عقیده می‌شود که زنان احساسات خود را برحسب روابط شخصی تعریف می‌کنند و دستاوردهای خود را با اشاره به توانایی مراقبت از دیگران مورد قضاوت قرار می‌دهند. جایگاه زنان در زندگی مردان به طور سنتی نقش مراقبت کننده و یاور است اما مردان که پیشرفت فردی را تنها شکل موفقیت می‌دانند، به شایستگی‌هایی که دراین وظایف کسب می‌شود چندان بهایی نمی‌دهند.» Gilligan(1982)

«بعضی ازجامعه شناسان، تقسیم کار بین زن و مرد را براساس «طبیعت زنانه» و «طبیعت مردانه» که ریشه در اصول زیستی دارد تعیین می‌کردند و معتقد بودند زنان براساس طبیعت زنانهٔ خود تمایل به امور خانه‌داری و مادری و مردان براساس طبیعت مردانهٔ خود، علاقه مند به امور تولیدی و کارهای بیرون از خانه هستند.» مهدوی (۱۳۸۰) به این ترتیب مشاهده می‌شود که در جامعه شناسی، از تفاوت جنسی بیولوژیک برای توضیح دادن و تقسیم کار در خانواده و جامعه به طور کلی سود جسته‌اند. هاجری(۱۳۸۲)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

و دیدگاه‌های بسیاری برنقش عوامل بیولوژیک در شکل‌گیری تفاوت‌های جنسیتی اشاره دارند. «از جمله یک گروه از فمنیست‌های رادیکال این تفاوت‌ها را ذاتی و ناشی از عوامل هورمونی، بیولوژیکی و آناتومیکی می‌دانند، مانند منطقی بودن در مردان و هیجانی بودن در زنان. اما گروه دیگری از فمنیست‌ها معتقدند ذات گرایی بیو لوژیک با این نظریه که بیولوژی تعیین کننده ویژگی زن ومرد است اثبات نشده است.» گرت(۱۳۸۰) بنابراین تفاوت‌های مشاهده شده بین زنان و مردان را به انتظارات فرهنگی از دو جنس نسبت می‌دهند و معتقدند که تفاوت‌های رفتاری میان دو جنس ناشی از جنسیت است و از این لحاظ این تفاوت‌ها قابل تغییر هستند.

«در همین راستا مورخین و مردم شناسان فمنیست در پی نشان دادن نقش مهم فرهنگ، دین و موقعیت طبقاتی در شکل دادن زندگی زنان بوده‌اند. مارگارت مید نشان داد که در فرهنگ‌های متعددی تفاوت‌های جنسیتی خیلی متنوع هستند و کارهای زنانه و مردانه الزاماً بر حسب جوامع یکسان نیستند در میان جوامع گوناگون بین نقش‌های اجتماعی و بیولوژیکی جنسی ارتباطی وجود دارد.» شیخاوندی(۱۳۸۵) ونهایتاً گروه دیگری از فمنیست‌ها برعوامل مادی و اقتصادی در شکل‌گیری جنسیت تأکید می‌کنند. از نظر منتقدان رادیکال، پایگاه زن در تولید اقتصادی تعیین کنندهٔ تفاوت‌های جنسیتی زن از مرد است در این راستا می‌توان گفت که جنسیت، شباهت زیادی به مقولاتی نظیر روابط طبقاتی، طبقه و پدرسالاری دارد. فرهنگ جامعه شناسی، پنگوئن[1](۱۹۹۴)

برخلاف دیدگاه‌های یک سویه‌ای که تفاوت‌ها را محصول بیولوژیک می‌دانند، بارون و برن معتقدند جنسیت ویژگی‌ها، رفتارها، خصوصیات شخصیتی و ارتباطات مرتبط با جنس زیستی فرد در یک فرهنگ معین است که ممکن است اساس زیستی داشته باشد یا حاصل یادگیری یا ترکیبی از تعیین کننده‌های زیستی و فرهنگی را نشان دهد. (baran & 1977 byrne)

1- culture of sociology .The penguin

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جورج هربرت مید(G.H.mead) و همچنین چارلز هورتون کولی(C.H.cooley)از صاحب نظرانی هستند که با دیدگاه جامعه شناسانه تفاوت‌های شکل‌گیری شخصیت را به وسیلهٔ گسترش «من اجتماعی» بررسی کرده‌اند. از نظر مید «خود به واقعیتی اطلاق می‌شود که فقط در جریان تجارت و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.» مید(1967) تفسیر تفاوت‌های جنسیتی برپایهٔ نظریات آن‌ها براهمیت تأثیر برداشت‌ها ونظرات دیگران در عمل‌کردهای فردی اشخاص تأکید دارد. لذا اگر زنان و مردان به گونه متفاوتی می‌اندیشند وعمل می‌کنند ناشی ازتصورات اجتماعی وبرداشت افراداز این تصورات است.

مطابق نظریه‌های جامعه پذیری جنسیتی ونیز یادگیری اجتماعی، افراد طی فرآیند جامعه پذیری از طریق سازوکارهای تقویت و تقلید، صفات و ویژگی‌های متناسب با جنسیت خود را از دیگران، به ویژه والدین و سایر اعضای خانواده یاد می‌گیرند. بدین ترتیب، نگرش‌های جنسیتی و نیز نگرش‌های شغلی در چارچوب خانواده آموخته می‌شود. و والدین که خود به شیوهای متفاوت از فرزندانشان جامعه پذیر شده‌اند و دارای نگرش سنتی راجع به روابط و رفتارهای اجتماعی فرزندان و به ویژه دختران می‌باشند، با به کارگیری پاداش یا تنبیه، برخی از کلیشه‌های جنسیتی راجع به صفات، نگرش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای مناسب برای مردان و زنان را به فرزندانشان منتقل یا تحمیل می‌نمایند. همچنین، بر مبنای نظریهٔ نقش، تغییر در نقش افراد می‌تواند منجر به تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای آنان گردد. از این رو، افراد مجرد پس از متأهل شدن و به عهده گرفتن نقش همسری (زن یا شوهر بودن)، ممکن است نگرش‌های خود دربارهٔ صفات و ویژگی‌های مناسب مردانه و زنانه را تغییر داده و با کسب تجربیات واقعی از جنس مخالف، باورهایشان به کلیشه‌های جنسیتی تضعیف یا تقویت گردد.

یکی دیگر از عوامل مهم در یادگیری رفتارها و نقش‌ها، مشاهدهٔ پیامدهای رفتاری است. «در این باره بندورا (Bandura) معتقد است کودکان از رفتارهای مشاهده شده براساس پیامدی که آن رفتار دریافت می‌دارد تقلید می‌کنند همچنین زمانی که دو جنس به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

یکسان تقویت می‌شوند، دررفتارهایشان نیز نشان می‌دهند.» خسروی(۱۳۸۲) کودکان در خانه، مکان‌های بازی، کتاب‌های داستانی و درسی، رسانه‌های گروهی و مدرسه با رفتارهای کلیشه‌ای جنسیتی روبرو می‌شوند. این رویارویی و مشاهده باعث می‌شود نقش‌های وابسته به جنسیت در هر دو جنس را و این که کدام رفتارهای جنسیتی را باید انجام دهند، یاد بگیرند(Brannon(1999 از طرفی نوع اسباب بازی‌ها در روحیات و رفتارهای کودک تأثیرات متفاوتی ایجاد می‌کند. «نتایج تحقیقات فاگوت (Fagot)در این باره نشان می‌دهد که اسباب بازی‌های پسرها نوآوری و ابتکار، کنجکاوی و درک دنیای فیزیکی را تسهیل می‌کند، در حالی که اسباب بازی‌های دخترانه، تقلید و برقراری روابط اجتماعی میان فردی را ترغیب می‌کند.» خسروی (۱۳۸۲)

تفاوت‌های جنسیتی در خلق و خوی کودکان یکساله به شکل بالاتر فعالیت در پسران و واکنش‌های بیش‌تر به ناکامی در آنان قابل مشاهده است، بنابراین شاید بتوان گفت که دخترها و پسرها از نظر بیولوژیک استعداد بروز رفتارهای نماد جنسیتی متفاوتی دارند و والدین به رفتارهای موجود بیولوژیک پاسخ مثبت می‌دهند و آن‌ها را تقویت می‌کنند. شهر آرای (۱۳۷۸)

براساس نظریهٔ طرح وارهٔ جنسیتی، فرهنگ نقش مهمی در رشد جنسیت دارد. «نظریه طرح وارهٔ جنسیتی[1] حاصل گسترش نظریهٔ رشد شناختی است طرح وارهٔ ساختاری شناختی و شبکه‌ای ارتباطی است که ادراکات فرد را سازمان دهی و هدایت می‌کند». bem(1981) فرض این نظریه این است که علت بسط رفتارهای جنسیتی در کودکان به شکل‌گیری طرح واره‌هایی مربوط می‌شود که آن‌ها را به سوی چنین رفتارهایی سوق می‌دهد.کودکان نه فقط آمادهٔ کدگذاری و سازمان دهی اطلاعات دربارهٔ جنسیت هستند بلکه آن‌ها این فرآیند پردازش اطلاعات را در محیط اجتماعی که برای زنانگی و مردانگی تعریف متفاوتی دارد انجام می‌دهند.(bem(1985

1- gender schema theory

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در تحلیل مک اینیس (mac aynys) زنانگی و مردانگی بـه عنـوان مشخـصات زنـان و مردان صرفاً به مثابه «بر ساخته‌های اجتمـاعی ـ فرهنگـی» و نـه بـه عنـوان خـصلت‌هـای اشخاص وجود دارند و به راستی زنانگی و مردانگی چیزی بیش از مجموعه تصوراتی کـه مردم دربارهٔ یکدیگر و خودشان در زمینه‌های اجتماعی خـاص دارنـد نیـست. ایگلـی نیـز معتقد است زنانگی و مردانگی با وجود ویژگی‌های بیولوژیک (جـنس شـخص) ریـشه در اجتماع دارند و اعضای جامعه هستند که تصمیم می‌گیرند، زن بودن یا مرد بودن (بـه طـور مثال: سلطه جو، مطیع و شجاع یا احساسی) چگونه معنی شود. (1987)eagle

کورنل و فارن نیز بر این موضوع هستند که بدن جنسی و فرد جنسیتی زمانی که هر دو به طور فرهنگی ساختار یافته‌اند نباید پایبند به یکدیگر باشند.(1998)kornel &faren آن‌ها اظهار می‌دارند که بعد بیولوژیکی اساسی‌تر یا واقعی‌تـر از ابعـاد دیگـر تجربیـات زنـدگی نیست. آن‌ها عقیده دارند همان طور که نسخه‌های مرد و زن از زنانگی وجود دارد به همین ترتیب نسخه‌های مرد و زن از مردانگی نیز وجود دارد. هاجری (۱۳۸۲)

«اما اگر بخواهیم به تقلیل گرایی متهم نشویم زنانگی و مردانگی حاصـل یـک فراگـرد متباین و متقابل اجتماعی ـ فرهنگی و بیولوژیکی است کـه نظـامی از روابـط اجتمـاعی و نهادی را در ارتباط با هویت جنسیتی بازنمایی می‌کند.» ممبینی(۱۲: ۱۳۸۶) بنابراین امروزه باور است که زن ومرد به دنیا نمی‌آیند بلکه بـا ایـن عنـاوین سـاخته مـی‌شـوند، بنـابراین مردانگی و زنانگی یک فراگرد اجتماعی است که طی آموزش‌های خاص حاصل می‌شود.

۳) روش مطالعه

۱-۳) نوع وابزار مطالعه:

این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی است. در ایـن پـژوهش از روش پیمایـشی (*survey*) بهره گرفته و به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه خود اجرا استفاده شده است. پرسش نامهٔ این طرح شامل اطلاعات شخصی و۹۶ گویه از عمده‌ترین صفات و مـشاغل رایـج در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جامعه است. بخشی از این گویه‌ها از تحقیقات پیشین و بخشی دیگر از طریق بررسی میدانی در جامعهٔ آماری و نظر خواهی از محققین و اساتید دیگر به دست آمده است. با اجرای آزمون مقدماتی (pretest) پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از دانشجویان که به روش نمونه‌گیری اتفاقی برگزیده شده بودند تکمیل گردید و این پرسشنامه‌ها پس از کد گذاری در نرم افزار spss وارد شدند و پایایی آن‌ها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید و سپس با توجه به نتایج حاصل از مطالعهٔ مقدماتی اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد تا اعتبار و پایایی آن افزایش یابد. اما در نهایت اعتبار و پایایی شاخص‌ها با استفاده از دو تکنیک تحلیل عامل (به منظور سنجش اعتبار) و آلفای کرونباخ (به منظورسنجش پایایی)انجام شده است همسان کردن سطح سنجش گویه‌ها انجام شده و از مجموع ۹۶ صفت یا شاخص در نظر گرفته شده ۵۹ شاخص در تحلیل عاملی باقی ماندند که در ۲۱ مؤلفهٔ کلیشه‌ای جنسیتی (۹مؤلفه برای کلیشه‌های مردانه و ۱۲ مؤلفه برای کلیشه‌های زنانه) قرار گرفتند که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱- بررسی اعتبار و پایایی (شاخص‌های مربوط به ابعاد کلیشه‌های جنسیتی مردانه و زنانه

مفهوم	بعد	مؤلفه	شاخص‌ها (صفات یا مشاغل)	KMO	ALPH
تصورات قالبی - جنسیتی	کلیشه‌های جنسیتی مردانه	شغل‌های مدیریتی و اداری	مشاغل سیاسی، صنعتی و اداری	۰/۸۲	۰/۷۹
		شغل‌های یدی	کشاورزی، نظامی و ورزشی	۰/۷۳	۰/۸۸
		عدم وابستگی	استقلال، جسارت، قاطعیت	۰/۶۳	۰/۷۱
		عقلانیت رفتاری	کار آفرینی، ریسک پذیری، ابتکار	۰/۶۴	۰/۷۳
		عقلانیت علمی	استعداد ریاضی، منطقی، باهوش	۰/۷۴	۰/۶۸
		خشونت رفتاری	پرخاش‌گری، ماجراجویی، هنجار شکنی	۰/۸۵	۰/۸۲
		خشونت ذهنی	تندخویی، سلطه گری، خودرأیی	۰/۸۱	۰/۷۹
		اقتدارگرایی	سختگیری، شجاعت، قوی بودن	۰/۸۴	۰/۸۰
		راحت طلبی	تنبلی، شوخ طبعی، ولخرجی	۰/۶۹	۰/۷۵

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مفهوم	بعد	مؤلفه	شاخص‌ها (صفات یا مشاغل)	KMO	ALPH
	کلیشه‌های جنسیتی زنانه	جذابیت ظاهری	مرتب بودن، جذاب بودن، خوش برخوردی	۰/۸۳	۰/۷۸
		عاطفی بودن	احساس بودن، رویایی، زود رنجی	۰/۸۱	۰/۷۵
		رفتار اجتماعی مطلوب	امانت داری، تبعیت از قوانین، با گذشت بودن	۰/۷۹	۰/۷۳
		مشکلات عاطفی	افسردگی، ترسویی، بی‌احساس بودن	۰/۸۵	۰/۸۱
		شغل‌های خدماتی	خانه داری، پرستاری، منشی گری، معلمی	۰/۸۷	۰/۸۲
		ذهنیت عقلانی	دقیق بودن، منظم بودن، یادگیری تئوری	۰/۷۸	۰/۷۵
		رفتار فردی مثبت	صمیمیت، مهربانی، خوش ذوق بودن	۰/۷۳	۰/۷۷
		رفتار اقتصادی	تجمل گرایی، تقلید گرایی، تنوع طلبی	۰/۷۶	۰/۷۱
		خویشتن‌داری	باحیایی، صبوری، دلسوزی	۰/۸۸	۰/۷۴
		وابستگی	مطیع، محافظه کاری، سلطه پذیری	۰/۷۵	۰/۷۰
		رفتار فردی منفی	بهانه گیری، دورویی، پرحرفی	۰/۸۳	۰/۷۹
		بینش اعتقادی	نذرونیاز، اعتقاد به قضا و قدر، خرافی بودن	۰/۸۴	۰/۷۲

۲-۳) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های از طریق نرم افزار spss مورد بررسی قرار گرفتند. به این منظور از آزمون تحلیل عامل جهت تسهیل توصیف وتقلیل حجم داده‌ها و از آزمون t برای تعیین معناداری تفاوت‌های مشاهده شده استفاده گردید.

۳-۳) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ مورد مطالعه، دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه یزد می‌باشند که در سال۸۷-۸۶ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند. از بین این دانشجویان۲۸۹ نفر از طریق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه برگزیده شدند و به طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به سئوالات پرسش‌نامه پاسخ دادند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۴-۳) تعریف مفاهیم و متغیرها

- **تصورات قالبی جنسیتی:** ذهنیت‌های ایستا و ثابتی هستند که معمولاً پایه‌های علمی ندارند و مردم پیشاپیش ویژگی‌های خاصی را به دو جنس نسبت می‌دهند، در واقع تصورات قالبی یعنی عقیدهٔ ثابت و قراردادی دربارهٔ یک یا دو جنس مثلاً اعتقاد به هیجانی بودن زنان و منطقی بودن مردان. این تصورات کلیشه‌ای به دو نوع مردانه که بیان‌گر نوع تصور پاسخ‌گویان نسبت به خصلت‌های مردان و تصورات کلیشه‌ای زنانه که بیان‌گر نوع تصور پاسخ‌گویان نسبت به خصلت‌های زنان در جامعهٔ قابل تقسیم می‌باشد برای سنجش این تصورات و کلیشه‌ها از یک مقیاس ۵ گویه‌ای استفاده شد که در آن عباراتی راجع به نقش‌ها، وظایف و توانایی‌های مردان و زنان در حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی مطرح گردید و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های مطرح شده مشخص نمایند، در نهایت پاسخ‌های به دست آمده در دوبعدیا مقولهٔ کلیشه‌های جنسیتی مردانه و کلیشه‌های جنسیتی زنانه تقسیم‌بندی گردید در جدول شمارهٔ یک مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و صفات مربوط به هریک از کلیشه‌های فوق بیان شده است.
- **نگرش جنسیتی:** به موضع‌گیری فرد نسبت به جایگاه، نقش، وظایف و امتیازات مردان و زنان در جامعه، نگرش جنسیتی اطلاق می‌شود.
- **نگرش شغلی:** به موضع‌گیری فرد نسبت به مشاغلی که در فرهنگ جامعه به عنوان مشاغل مردانه یا زنانه تعریف می‌شود نگرش شغلی اطلاق می‌گردد. به منظور سنجش نگرش پاسخ‌گویان، تعداد ۲۰ شغل مختلف به صورت یک مقیاس ۵ رتبه‌ای مطرح و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا تعیین کنند که مشاغل مطرح شده تا چه حد مردانه یا زنانه هستند که این مشاغل در تحلیل عامل به سه دسته تقسیم شدند: ۱- مشاغل مدیریتی و اداری که نیاز به توانایی علمی، فکری و ذهنی سطح بالا دارند ۲- مشاغل یدی که نیاز به قدرت بدنی سطح بالا دارند و ۳- مشاغل خدماتی که نیاز به قدرت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بدنی سطح بالا ندارند.که شغل‌های مربوط به این دسته‌بندی در جدول شمارهٔ یک نشان داده شده است.

- **کلیشه‌های جنسیتی**: «کلیشه‌های جنسیتی، ارئه دهندهٔ تصویر یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای ازرفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان است بدون آن که مورد بررسی و آزمون قرارگرفته باشند.» اعزازی(۱۳۸۰) مقصود از کلیشه‌های جنسیتی، میزان باورداشت فرد به برخی عقاید قالبی وکلیشه‌های دربارهٔ ویژگی‌های رفتاری و خصوصیات فکری منتسب به مردان یا زنان در جامعه می‌باشد.

یافته‌ها:

۱-۴) ویژگی‌های اجتماعی ـ جمعیتی پاسخ‌گویان

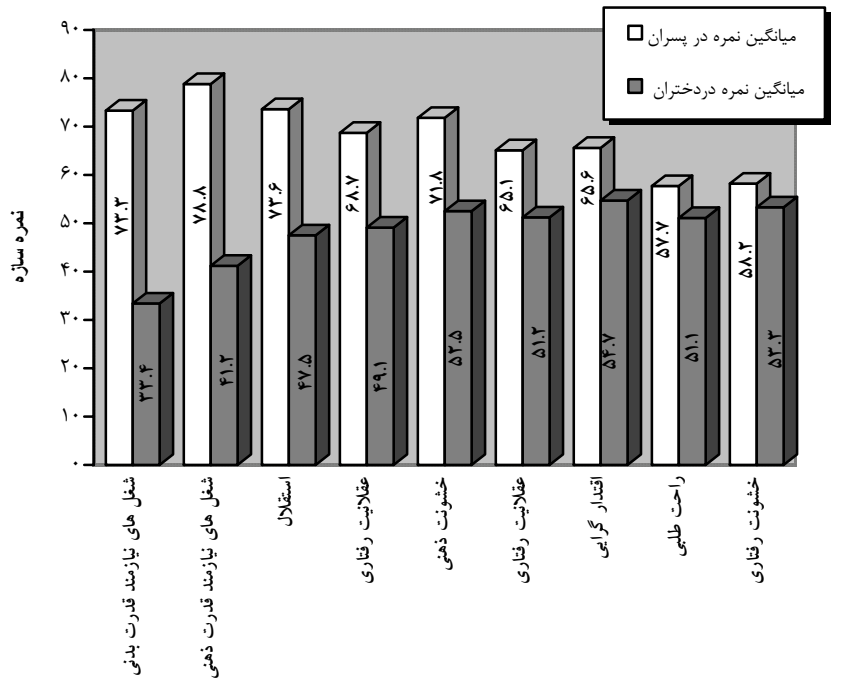
۵۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان (۱۵۵نفر) مرد و ۴۶/۴درصد (۱۳۴نفر) زن بوده‌اند. سن پاسخ‌گویان عمدتاً بین ۲۴-۱۸ سال می‌باشدکه میانگین سنی آن‌ها ۲۱/۵ بوده است. قریب به ۶۷ درصد پاسخ‌گویان غیر بومی و ۳۳ درصد بومی و ۹۲ درصد آن‌ها مجرد و ۸درصد متأهل بوده‌اند.۶۲ درصد پاسخ‌گویان شهری و ۳۸ درصد روستایی، هم‌چنین ۹۴درصد آنان غیر شاغل و ۶درصد شاغل بوده‌اند. از نظر فراوانی پاسخ‌گویان در ر شته‌های تحصیلی ۳۴/۳۰ درصد علوم انسانی، ۴۳/۶درصد فنی و مهندسی و ۲۲درصد علوم پایه می‌باشند. تحصیلات بخش عمده‌ای از پدران پاسخ‌گویان در دو مقطع راهنمایی و دبیرستان متمرکز است و گروه بی‌سواد دارای کم‌ترین فراوانی (۴/۳درصد) است توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب تحصیلات مادرنشان می‌دهد که مادران دارای تحصیلات ابتدایی و راهنمایی بیش‌ترین فراوانی (۴۹/۶ درصد) هستند و بعد از آن‌ها دارندگان تحصیلات دبیرستانی(۳۰/۶درصد) قرار دارند. کم‌ترین فراوانی متعلق به مادران دارای تحصیلات دانشگاهی است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۲-۴) سازه‌های جنسیتی پسران

سازه‌های جنسیتی پسران بیش‌تر ناظر بر قدرت، عقلانیت، عدم وابستگی، خشونت ذهنی و رفتاری، راحت طلبی و شغل‌های سطح بالاست. تحلیل آزمون تفاوت میانگین‌ها نیز نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری بین نمرهٔ این سازه‌ها در دختران و پسران وجود دارد. از بین این سازه‌ها، سازهٔ شغلی که نیازمند قدرت بدنی و توانایی جسمی زیادی است بیش‌ترین اختلاف را بین میانگین نمرات دختر و پسر نشان می‌دهد.(شکل ۲) به طوری که در نمودار (۱) ملاحظه می‌شود نمرهٔ این سازه در پسران ۷۳/۳ و در دختران ۳۲/۴ است. بنابراین از نظر پاسخ گویان شغل‌هایی مانند: کشاورزی، فعالیت‌های نظامی و ورزشی در بین پسران، کلیشه‌ای‌ترین گرایش‌های آن‌ها محسوب می‌شود. سایر سازه‌ها نیز اختلاف معنی‌داری را در این رابطه نشان می‌دهند. شغل‌هایی که نیازمند نیروی فکری و ذهنی هستند مانند شغل‌های صنعتی و سیاسی و پست‌های مهم اداری، با اختلاف میانگین نمرهٔ ۳۷/۶ و عدم وابستگی که به جسارت و استقلال و قاطعیت پسران اشاره دارد با اختلاف میانگین ۲۶/۱، نیز از دیگر سازه‌های کلیشه‌ای هستند که به پسران نسبت داده می‌شود. هم چنین پاسخ‌گویان نمرات بالاتری را به ویژگی‌های رفتاری لازمهٔ موفقیت، خشونت ذهنی و رفتاری، اقتدار گرایی، عقلانیت رفتاری و راحت طلبی پسران داده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]



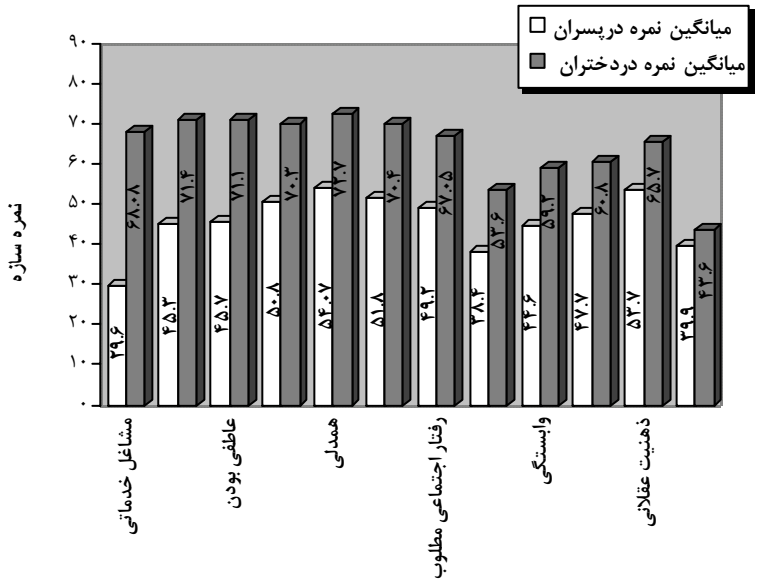
نمودار۱- میانگین نمرات سازه‌های جنسیتی پسران بر حسب جنس

۳-۴)سازه‌های جنسیتی دختران

در این سازه‌ها، شغل‌هایی که بیش‌تر جنبهٔ خدماتی دارند تا تولیدی، کلیشه‌ای‌ترین سازهٔ دختران به شمار می‌آیند. نمرهٔ پاسخ گویان به این مشاغل برای دختران ۶۸/۰۸ و برای پسران ۲۹/۶به دست آمده است .جذابیت ظاهری دختران با اختلاف میانگین ۲۶/۱ و ویژگی‌های عاطفی منفی آن‌ها با اختلاف ۲۵/۳ از دیگر سازه‌های کلیشه‌ای دختران به شمار می‌آیند. سایر سازه‌های جنسیتی دختران نیز بیش‌تر به رفتارهای فردی و روابط اجتماعی ـ اقتصادی عاطفی آن‌ها اشاره دارد. از نظر پاسخ‌گویان، آسیب پذیری، عدم استقلال و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

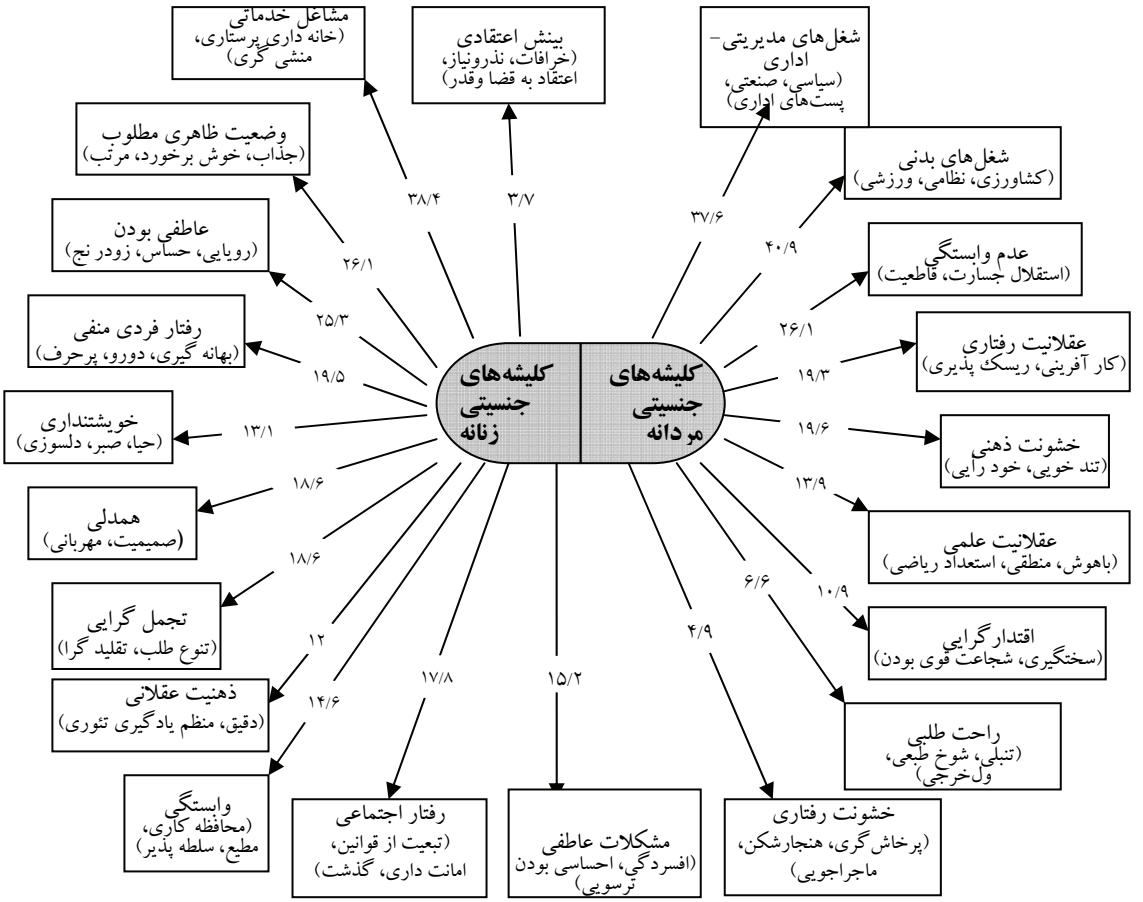
وابستگی و عقلانیت ذهنی در دختران بیش از پسران است. هم‌چنین دختران واجد بینش اعتقادی خاصی معرفی شده‌اند که گرایش بیش‌تر به خرافات، قضا و قدر و نذر و نیاز را خصوصیت آن‌ها می‌سازد.



نمودار۲- میانگین نمرات سازه‌ها جنسیتی دختران بر حسب جنس

شکل (۲) اختلاف نمرات هر دودسته سازه‌ها رادر بین دوجنس نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که بیش‌ترین اختلاف دیدگاه‌ها در کلیشه‌های پسران، مربوط به شغل‌های کشاورزی، نظامی و ورزشی است که بین نمرات اختصاص یافته به دختران وپسران ۴۰/۹ اختلاف وجود دارد. در سازه‌های دختران نیز بیش‌ترین میزان تفاوت مربوط به مشاغلی مانند خانه داری، پرستاری ومنشی گری(با ۴/ ۳۸ نمره اختلاف) می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]



$N=۲۸۹ \quad P<۰/۰۵$

شکل ۲- تفاوت نمرهٔ کلیشه‌های دو جنس در سطح معنی‌داری

۳-۴) باورهای کلیشه‌ای به تفکیک جنسیت

بررسی دیدگاه‌ها نسبت به صفات کلیشه‌ای بر پایهٔ تفکیک جنسیتی این مزیت را داردکه می‌توان پی برد هریک از دو جنس تا چه حد از کلیشهٔ جنسیتی خود آگاه بوده و آن‌ها را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

می‌پذیرد و این پذیرش در مقایسه با نگرش جنس مخالف درچه سطحی قرار دارد. براساس داده‌های جدول (۱)برخی از سازه‌های جنسیتی دختران از جانب آن‌ها نمرات بالاتری را دریافت کرده‌اند. عاطفی بودن، داشتن رفتاراجتماعی مطلوب، یادگیری مطالب تئوری، رفتار هم‌دلانه، تجمل گرایی، خویشتن‌داری و خرافاتی بودن ونذر ونیاز کردن کلیشه‌های است که دختران نسبت به آن‌ها تصور کلیشه‌ای‌تری داشته‌اند. در این سازه‌ها ملاحظه می‌شود که درسطح معنی‌داری نمرات خویشتن‌داری و روابط اجتماعی مطلوب دختران بالاتر است. این نشان می‌دهد که برای دختران روابط اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر آن هم چون تبعیت از قوانین و امانت‌داری و گذشت نسبت به دیگران حائز اهمیت است. همچنین خویشتن‌داری را در قالب حیا وصبر بیش‌تر صفت مختص به خود می‌دانند، درحالی که در مشاغلی مانند خانه‌داری و پرستاری و منشی‌گری پسران با اختصاص نمرات بالاتر دیدگاه کلیشه‌ای‌تری را ابراز داشته‌اند. در سنجش همین سازه‌ها در پسران نیز مشاهده می‌شود آن‌ها نمرات بالاتری را برای جنس خود قائل شده‌اند.

جدول ۲- مقایسهٔ میانگین نمرات سازه‌های جنسیتی دختران به تفکیک جنس و نتایج آزمون

سازهای جنسیتی دختران	نگرش کلیشه‌ای نسبت به دختران			*p*	نگرش کلیشه‌ای نسبت به پسران			*p*
	از نظر پسران	از نظر دختران	تفاضل		از نظر پسران	ازنظر دختران	تفاضل	
جذابیت ظاهری	۷۲/۴	۶۹/۸	۲/۶	۰/۱	۴۸/۳	۴۱/۵	۶/۸	۰/۰۰
عاطفی بودن	۷۰/۴	۷۱/۵	-۱/۱	۰/۵	۵۲/۱	۳۸/۸	۱۳/۳	۰/۰۰
رفتاراجتماعی مطلوب	۶۵/۱	۶۹/۵	-۴/۴	۰/۰۳	۵۴/۴	۴۳/۲	۱۱/۲	۰/۰۰
مشکلات عاطفی	۵۴/۲	۵۲/۸	۱/۴	۰/۴	۴۱/۹	۳۴/۸	۷/۱	۰/۰۰
شغل‌های خدماتی	۷۲/۵	۶۳	۹/۵	۰/۰۰	۳۳/۴	۲۵/۱	۸/۳	۰/۰۰
ذهنیت عقلانی	۶۴/۲	۶۷/۸	-۳/۶	۰/۰۶	۵۶/۴	۵۰/۳	۶/۱	۰/۰۰

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

سازهای جنسیتی دختران	نگرش کلیشه‌ای نسبت به دختران			*p*	نگرش کلیشه‌ای نسبت به پسران			*p*
	از نظر پسران	از نظر دختران	تفاضل		از نظر پسران	ازنظر دختران	تفاضل	
رفتار فردی مثبت (هم‌دلی)	۷۲/۴	۷۳	-۰/۶	۰/۷	۵۶/۳	۵۱/۷	۴/۶	۰/۰۱
رفتار اقتصادی	۶۹/۸	۷۰/۳	-۰/۵	۰/۸	۵۰	۵۳/۸	-۳/۸	۰/۰۵
خویشتن‌داری	۵۵/۵	۶۶/۳	-۱۰/۸	۰/۰۰	۵۴	۴۰/۵	۱۳/۵	۰/۰۰
وابستگی	۵۹/۸	۵۸	۱/۸	۰/۴	۴۷/۳	۴۱/۷	۵/۶	۰/۰۱
رفتار فردی منفی	۷۱/۶	۶۸/۳	۳/۳	۰/۱	۴۸/۵	۵۳/۴	-۴/۹	۰/۰۳
بینش اعتقادی	۴۳/۶	۴۳/۷	-۰/۱	۰/۹	۴۷/۴	۳۱/۴	۱۶	۰/۰۰

- توضیح: اعداد منفی بیان گر بیش‌تر بودن میانگین نمرهٔ دختران از پسران است.

مقایسه به عمل آمده از سازه‌های جنسیتی پسران با تفکیک جنسی و تحلیل آزمون t نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین سازه‌های عقلانیت وخشونت رفتاری وذهنی و جنس وجود دارد. به طوری که پسران در عقلانیت رفتاری و دختران در سه سازهٔ دیگر نسبت به پسران دارای تصور کلیشه‌ای‌تری بوده‌اند. در برآورد میزان وجود این صفات نیز در دختران ملاحظه می‌شود که در مجموع دختران نمرات بالاتری را برای جنس خود در نظر گرفته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت دختران با وجود این که بیش از پسران به مردانه بودن این کلیشه‌ها معتقدند، نسبت به پسران تصور کلیشه‌ای کم‌تری را نشان داده‌اند. یعنی برخلاف تصور ات غالب دختران وجود نسبی این صفات را در جنس خود بیش از پسران باور دارند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول ۳- مقایسهٔ میانگین نمرات سازه‌های جنسیتی دختران به تفکیک جنس و نتایج آزمون *t*

سازهای جنسیتی پسران	نگرش کلیشه‌ای نسبت به پسران			p	نگرش کلیشه‌ای نسبت به دختران			P
	از نظر پسران	از نظر دختران	تفاضل		از نظر پسران	ازنظر دختران	تفاضل	
شغل‌های مربوط به قدرت بدنی	۷۴/۱	۷۲/۲	۱/۹	۰/۴	۳۷	۴۶/۲	-۹/۲	۰/۰۰
شغل‌های مدیریتی و اداری	۷۸/۱	۷۹/۶	-۱/۴	۰/۴	۲۷/۸	۳۷/۵	-۹/۷	۰/۰۰
عدم وابستگی	۷۲/۹	۷۴/۱	-۱/۲	۰/۵	۴۵	۵۰/۲	-۵/۲	۰/۰۳
عقلانیت رفتاری	۷۰/۸	۶۶/۱	۴/۷	۰/۰۲	۴۴/۲	۵۵	۱۰/۸	۰/۰۰
عقلانیت علمی	۶۲/۶	۶۸/۹	-۶/۳	۰/۰۰	۴۷/۶	۵۵/۹	-۸/۳	۰/۰۰
خشونت رفتاری	۵۴/۳	۶۲	-۷/۷	۰/۰۰	۵۱/۷	۵۳	-۴/۵	۰/۰۹
خشونت ذهنی	۶۸/۲	۷۶	-۷/۸	۰/۰۰	۵۲/۱	۵۳	-۰/۹	۰/۶۷
اقتدار گرایی	۶۵	۶۶/۲	-۱/۲	۰/۵	۵۱/۸	۵۷	-۵/۲	۰/۰۰
راحت طلبی	۵۵/۹	۵۹/۴	-۵/۳	۰/۱۴	۵۰	۵۲/۴	-۱/۴	۰/۰۱

*توضیح: اعداد منفی نشان دهندهٔ بالاتر بودن میانگین نمرهٔ دختران نسبت به پسران است، یعنی در واقع دختران دارای تفکر کلیشه‌ای‌تری هستند و این صفات را بیش‌تر به پسران نسبت می‌دهند.

در مجموع باید گفت کـه دختـران ارزیـابی بـالاتری را در برخـورداری هـر جـنس از سازه‌های جنسیتی خود اظهار نموده‌انـد. یعنـی دارای نگـرش کلیـشه‌ای‌تـری در رابطـه بـا تفکیک صفات بوده‌اند. در حالی که در برخورداری از سـازه‌هـای جـنس مخـالف هـر دو جنس نمرات بالاتر را به جنس خود اختصاص داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش‌های مبتنی بر جنسیت طی زمان، همواره وجود داشته و مسیر رفتارهـا و نقـش‌هـای مردان و زنان را مشخص ساخته است. کلیشه‌های جنسیتی بازتاب چنین نگرش‌هایی است که اغلب یک اجماع اجتماعی را بر سر چگونگی اعمال و رفتارهای جنسیتی نشان می‌دهد،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

بدون این که الزاماً ارتباطی با تفاوت‌های فردی اشخاص داشته باشد چنین ساختاری هر چند نا آگاهانه ممکن است در روند شکوفایی و بروز استعدادهای فردی و توانمندی‌های هر یک از دو جنس اختلال ایجاد کند و یا موانعی بر سر راه برخورداری یک جنس از حقوق انسانی و مشروع خود گردد. این مقاله با هدف شناسایی نوع نگرش‌ها و تصورات قالبی منسوب به زنان و مردان، ضمن توصیف و تحلیل برخی از صفات کلیشه‌ای رایج در این زمینه، باورهای جنسیتی دانشجویان را مورد بررسی قرار می‌دهد روش مورد استفاده پیمایش و گردآوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه بوده است، جامعهٔ آماری را دانشجویان دانشگاه یزد تشکیل می‌دهد که از بین آن‌ها ۲۸۹ نفر به عنوان نمونه به روش تصادفی ساده برگزیده شدند. با بررسی سازه‌های جنسیتی پسران و دختران چنین به نظر می‌رسد که این سازه‌ها در تقابلی دو گانه نسبت به یکدیگر قرار دارند. تقابل میان عقل و احساس، وابستگی و استقلال، ضعف و قدرت، مهربانی و خشونت. بر اساس یافته‌های تحقیق رفتارها و صفات پسرانه، بیش‌تر رفتارها و صفات، لازمهٔ موفقیت و رسیدن به مدارج علمی و شغلی می‌باشد که کارآیی بهتر پسران را در برعهده گرفتن مسئولیت‌های مهم در عرصه‌های دشوار زندگی اجتماعی و شغلی، تضمین می‌کند. کلیشه‌های شغلی پسران عموماً نیازمند قدرت فکری و عقلانی است و مردان در این شغل‌ها، یا تولید کنندهٔ فرآورده‌های طبیعی و مصنوعی هستند (مانند، فعالیت‌های کشاورزی) و یا تحت عناوین مدیران و شخصیت‌های بلند مرتبه و معروف (در پست‌های مهم اداری، سیاسی و ورزشی) در جامعه شناخته می‌شوند، درحالی که شغل‌های منسوب به دختران کم‌تر دارای چنین ویژگی‌های هستند. شغل‌هایی مانند خانه داری، پرستاری، معلمی و منشی گریی نه تنها از خصلت‌های این چنینی بهره‌ای ندارند،؛ بلکه بیش‌تر عواطف و روابط انسانی است که بر این مشاغل حاکم است .از طرفی چنین شغل‌هایی با وجود کارکردهای مثبت و ضروری در جامعه، از جایگاه و ارزش پایین‌تری نسبت به مشاغل مردانه برخوردارند. این نتیجه با یافته‌های طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲) و همچنین حجازی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

(۱۳۸۵) و راسخ (۱۳۸۶) هم سو بود و اغلب تحقیقات در این زمینه چنین کلیشهٔ شغلی را برای زنان و مردان به صورت کم وزیاد مورد تأکید قرار می‌دهد. بـه اعتقـاد پاسـخ‌گویـان، دختران به زیبایی وجذابیت ظاهری خود اهمیت بیش‌تری داده و دوست دارند مورد توجه واقع شوند، حتی در این باره پسران بیش از دختران به جذابیت آن‌ها معتقد بودند. دختران بسیار عاطفی بوده و تحت تأثیر هیجان‌های درونـی قـرار مـی‌گیرنـد امـا در رفتـار پـسران عقلانیـت و خـشونت در گفتـار ورفتـار خصیـصهٔ آن‌هـا معرفـی شـده اسـت. شـهلا اعزازی(۱۳۸۰)نیز به نتایج مشابهی دست یافته و معتقد اسـت کـه زنـان بـا صـفاتی ماننـد دلسوز، شکیبا، مهربان و یا با ویژگی‌های ظاهری مانند ظرافت و زیبایی که این صـفات بـه طور معمول در محیط‌های اولیـه (خـانواده) ارزش دارد توصـیف مـی‌شـوند. همچنـین در مطالعه‌ای بین المللی که در۲۵ کشور دنیا صورت گرفته به نتیجهٔ مشابهی دسـت یافتـه‌انـد. (بدار و دیگران، ۱۳۸۱)همچنین *Samson (2003)* معتقد است که واژه‌هایی که به دو جنس نسبت داده می‌شود دارای سوگیری جنسیتی است به طـوری کـه دختـران فقـط جـذاب و بانمک هستند در حالی که پسران باهوش و محبوبند. دختـران بـر خـلاف پـسران کـه بـه اسـتقلال و قاطعیـت خـود اهمیـت مـی‌دهنـد و از ریـسک واهمـه‌ای ندارنـد، وابـسته و محافظه‌کارتر و قانون پذیرتر معرفی شده‌اند. دختران در روابط خود احساسی‌تر عمل کرده و از خودخویشتن‌داری وصبوری نشان می‌دهند. به نظرپاسخ‌گویان در رفتارهای اجتمـاعی نیز، دختران با داشتن صفاتی همچون باگذشت بـودن، امانـت‌داری وتبعیـت از قـوانین بـر پسران برتری دارند همچنین گرایش به تجمل گرایی وتنـوع طلبـی واعتقـاد بـه معنویـات وقضاو قدرونذرونیازکردن نیزاز سایرکلیشه‌های دختران محسوب میشود. نتـایج تحقیقـات مک کوبی و ژاکلین (*1974*)، سیرز(*1991*) و اعزازی (۱۳۸۰) با این نتایج هـم‌سـو بـوده و آن‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد. این کلیشه‌ها اغلب دختـران رابـه تفکـر انتقـادی از خـود وتسلیم پذیری در برابر وقایع پیرامون وامی دارد و ممکن اسـت بـر توانمنـدی‌هـا وتفکـر منطقی آن‌ها اثرات منفی بر جای گذارد. از سـوی دیگـر از پـسران نیـز انتظـار مـی‌رود در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جامعه از احساسات و عواطف هر چه بیش‌تر فاصله بگیرند و به شغل‌هایی نیز گرایش یابند که با عقلانیت و منطق سازگارتر باشد. در حالی که همین انتظار تک بعدی از پسران و نگرشی که فرصت توجه به ابعاد احساسی وعاطفی را از آن‌ها سلب می‌کند، موجب بروز تنش‌ها و ناسازگاری‌هایی در روابط اجتماعی آن‌ها خواهد شدکه بی‌تأثیر از نوع تصور کلیشه‌ای حاکم بر جامعه نخواهد بود.بنابرین آنچه که رفتاروعمل افراد را شکل می‌دهد انتظارات اجتماعی است .چرا که همان طور که بررسی نشان داد هر جنس به وجود کلیشه‌های جنس دیگر در گروه جنسی خود اعتقاد بیش‌تری دارد. با این حال وجود تفاوت‌های و درپی آن ظهور کلیشه‌ها امری اجتناب ناپذیر است .

«درست بر خلاف برخی نظریات که سعی در نادیده گرفتن تفاوت‌های بین دوجنس دارند، تفاوت‌های آشکار جسمی، اخلاقی واجتماعی بین دوجنس در نزد همگان امری مقبول و مورد پذیرش است. به طور کلی برپایهٔ یکی از نظریه‌های موجود این تفاوت‌ها را می‌توان حداقل درموارد زیر خلاصه نمود:

- **توانایی‌های فضایی و بعدی**: تا سن ده سالگی توانایی‌های هر دو جنس مشابه است اما از این به بعد به تدریج توانایی پسران افزایش می‌یابد.
- **توانایی ریاضی**: از سن دوازده سالگی به بعد توانایی پسران در این زمینه افزایش می‌یابد.
- **توانایی‌های بیانی(کلامی)**: دختران از نظر روان بودن زبان و نوشتن خلاقانه جلوتر از پسران هستند.
- **میزان پرخاش‌گری**: از نظر بیانی، فیزیکی و تخیلی پسران نسبت به دختران پرخاش‌جو ترند.» burr(1998) اساساً جنس مذکر پرخاش‌گرتر از جنس مخالف شناخته شده است.
- **عواطف و احساسات**: زنان به جهت بر عهده گرفتن نقش مادری عاطفی‌تر از مردان هستند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

ارائهٔ دلایل زیستی و بیولوژیکی برای تفاوت‌های فوق مبنی بر ذاتی بودن آن‌ها تاحدی قابل قبول ومنطقی به نظر می‌رسد، اما تفاوت‌ها برپایه‌های جنسیتی از جایی نشأت می‌گیرند که نگرش نسبت به توانایی‌های فوق در محیط‌ها و افراد مختلف جامعه انعطاف خود را از دست داده و در سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی به صورت کلیشه‌ها و قواعد تخطی ناپذیر درآید. دیدگاه‌هایی که به زمینه‌های زیستی و بیولوژیکی نظر دارند در واقع تغییرات نسبی مکانی و زمانی این تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرند در صورتی که ورود یک جنس به عرصه‌های تحصیلی، ورزشی و شغلی جنس دیگر به غیر زیستی بودن بسیاری ازاین تفاوت‌ها اشاره دارد.

با این حال کلیشه‌هایی نیز وجود دارندکه تحقیقات زیستی خلاف واقع بودن آن‌ها را تأیید می‌کنند، همان طور که در بحث یافته‌ها نیز ملاحظه شد باهوش بودن به عنوان صفت مردانه عنوان شده است در حالی که نتایج تحقیقات حاکی از آن است که مغز زنان با این که از مغز مردان کوچک‌تر است اما این تفاوت هیچ تأثیری در توانایی و قابلیت مغز زن ندارد. «بنت پاک کن در سال ۱۹۹۷ ثابت کرد که زنان ۳٪ از مردان با هوش ترند. پروفسور روبین گار نیز کشف کرد که مادهٔ خاکستری مغز زنان بیش از مردان است.» پیز(۱۳۸۲: ۶۲) با این حال زنان با وجود داشتن زمینهٔ زیستی هوشی برتر نسبت به مردان ناتوان‌تر جلوه می‌کنند. در مورد خلاقیت نیز «محققان بر این باورند که علت این که مردان به سطوح بالاتری از خلاقیت دست می‌یابند ربطی به توانایی بالاتر آن‌ها ندارد، بلکه این تفاوت در دسترسی بیش‌تر مردان به آموزش و تشویق‌های اجتماعی والدین بستگی دارد، در حالی که دختران با عدم پذیرش روبرو هستند» خسروی(۱۳۸۲: ۵۹)البته برخی ویژگی‌ها و صفات نیز وجود دارد که از نظر محققین تنها جنبهٔ ژنتیکی و بیولوژیکی دارد، مفهوم *غریزهٔ مادری* که با عاطفه و احساس همراه است و شامل تربیت و پرورش فرزندان است، زیربنای زیستی دارد و این صفت کم‌تر تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرد. (Silver stein, 1993).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که آن‌چه که تحت عنوان تفاوت از آن یاد می‌شود در واقع بیش‌تر کلیشه‌های دست ساز بشر درون اجتماعات انسانی است نه دقیقا واقعیت‌های موجود جسمی و فیزیکی. تفاوت‌های موجود بر پایهٔ اتصال متغیرهای محیطی و متغیرهایی در یادگیرندهای جامعه قابل تفسیر است. روند جامعه پذیری در جامعه، خانواده، مراکز آموزشی و سایر نهادهای اجتماعی به باورهای فرد جهت میدهد که البته همراه با نوعی القاء وتلقین است .به طور کلی باورهای هر فرد نسبت به توانایی‌های فردی اش، مهارت‌های تجسمی و فضایی وکلامی، احساس کفایت در انتخاب رشتهٔ تحصیلی و نوع شغل مورد علاقه، شرکت در فعالیت‌های ورزشی و... تحت تأثیر وضعیت اقتصادی واجتماعی خانواده، هم خوانی با نقش جنسیتی وروش‌های ارزیابی و پذیرش ودر کل مؤلفه‌های اجتماعی قرار دارند تا ساختار بیولوژیکی .

بنابراین ارجاع تفاوت‌های بین زنان و مردان به پایه‌های زیستی ودر نتیجه غیر قابل تغییر جلوه دادن آن‌ها نه تنها به تقلیل پایگاه اجتماعی ودور شدن یک جنس از صحنهٔ فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد بلکه به تبعیض‌های جنسیتی وگسترش آسیب‌های اجتماعی مانند خودکشی خواهد انجامید.

از آنجایی که نقش‌های جنسیتی در خانه، مدرسه، مهدهای کودک و مراکز علمی، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی باز تولید وتثبیت می‌شود، بنابراین نخستین گام در این جهت جامعه پذیری و فرهنگ‌سازی صحیح و متناسب با منافع و مصالح هر دو جنس می‌باشد که پایه‌های آن را می‌توان دراصلاح کتب و داستان‌های کودکان و حتی بازی‌ها و نقش‌هایی که اجرا می‌کنند پی‌ریزی کرد.

همچنین مطالعه رفتار افراد *دوجنسیتی روانی* به منظور راه حلی در جهت کاستن از بار کلیشه‌های جنسیتی درخور تأمل است. برپایه نظریه‌های سنتی زن ومرد دو سوی یک قطب هستند که دریک سمت ویژگی‌های زنانه (زنانگی) ودر سوی دیگر ویژگی‌های مردانه (مردانگی)قرار دارد. آشکارترین نقطهٔ تلفیق و ترکیب این دو دسته ازصفات را می‌توان در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

دوجنسیتی‌های روانی یافت که برخلاف تصور عامه دارای روابط فردی واجتماعی بهتـری هستند و چون دارای دو دستهٔ خصلت‌ها و صفات زنانه و مردانه می‌باشند مـی‌تواننـد درک درست‌تر و در نتیجه واکنش بهتری در رابطه با رفتار افـراد مـذکر و مؤنـث جامعـه داشـته باشند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ References

- اعزازی، ش. (۱۳۸۰)، **تحلیل ساختاری جنسیت، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی .
- بدار، ل و دزیل، ژ و لامارش، ل.(۱۳۸۱)، **روانشناسی اجتماعی**، (ترجمه حمزه گنجی)؛ تهران: نشر ساوالان.
- پیز، آلن وباربارا. (۱۳۸۳)، **چرا مردان گوش نمی‌دهند و زنان نمی‌توانند نقشه بخوانند**(ترجمهٔ ناهید رشید، نسرین گلدار)، تهران نشر آسیم.
- جنکینز، جان. (۱۳۸۱)، **هویت اجتماعی**، (ترجمه تورج یار احمدی)، تهران، نشر شیرازه
- حجازی، ا. (۱۳۸۵)، « **اصلاح سیمان زن در کتاب‌های دوره ابتدایی**»، راهی به سوی دستیابی به فرصت‌های برابر، فصل نامه تعلیم و تربیت، سال ۲۲، شماره۳، صص۱۴۴-۱۳۰
- خسروی، ز.(۱۳۸۲)، **مبانی روان‌شناسی جنسیت**، تهران، انتشارات قصیده سرا.
- دفتر طرح‌های ملی(۱۳۸۲)، **ارزش‌ها ونگرشهای ایرانیان**، تهران، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی
- راسخ، ا. (۱۳۸۶)، **گفتمان وجنسیت**، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران ودانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
- ریتزر، ج. (۱۳۸۲)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم
- شهرآرای، م. (۱۳۷۸)، **رشد جنسیت**، گلومبوک وفی وش تهران، انتشارت ققنوس.
- شهشهانی، س .(۱۳۸۰)، **چارچوب مفهومی جنسیت. نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شیخاوندی، د.(۱۳۸۵)، «**بازتاب هویت جنسیتی دختران در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و راهنمایی**»، فصل نامه تعلیم و تربیت، سال ۲۲، شماره۳ صص ۱۲۱-۱۰۶

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ References

- گـرت، ا. (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی جنسیت**، ترجمـه کتـایون بقـایی، نـشر دیگـر، تهران.
- گیدنز، آ.(۱۳۷۳)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ممبینی، ا. (۱۳۸۶)، **زنانگی و مردانگی برساخته‌های فرهنگی**، روزنامه سـرمایه، شماره ۵۲۶ .
- مهـدوی، م. (۱۳۸۰)، **تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در جوامع اولیه**، نگرشـی بـر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- هاجری، ع.(۱۳۸۲)، **جنس و جنسیت**، ماهنامه علمی فرهنگی و اجتمـاعی زنـان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان شماره ۲، بهمن۸۲. تهران صص۲۸-۲۱
- ناجی راد، م.(۱۳۸۲)، **موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی ـ اقتصادی ایران پس از انقلاب**، تهران: انتشارات کویر،
- هام، م.(۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمنیستی، ترجمه فیـروزه مهـاجر و دیگـران، تهران. توسعه
- Burr,v. (1998) gender and social psychology. new York and London Routledge
- Bem.S.(1985). Androgyny and gender scheman theory: **A conceptual and empirical integration; Intheo. B** .Sonderegger (ED) .Neberaska. symposium. on motivation.1984.Psychology and gender
- Bem.S.(1981).Gender schema theory: **Acognitive account of sex – typing – psychological Reviw** .88-354-364.
- Brannon.L.(1999**).Gender psychological**. prespective .Boston .Allyn American psychologist .31-12.
- Gilligan. C.(1982). In a different. **Voice psychological Theory and women's Development** (Cambridge , mass Harvard university press).
- Maccoby .E.E , and Jacklin .C.N (1974) **The Psychology of sex Differences**. standford: Stand ford university Press..
- Maclurg , A(1964). **principle of sociology Barens** , Noble , I.N.C.New York.296
- Meade .G.H. (1967).Mind, **self and society** .university of Chicago press.
- Samson .A.(2003).Gender .and Italian Textbook.S..Italy University of Rome.
- Silverstein. L.B (1993) **"Primats research family politics** , and social policy " , Journal of fality psychology , 7, 267-282
- Sears. D .O.Letitia. Anne peplau and Shelley E. Taylor (1991).**Social psychology US: prentice – Hall International**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]